

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهرهٔ یک قارهٔ تل جامع علوم انسانی

«برهنه همچون زمانی که به جهان پا نهادند... مردانی خوش سیمای با پیکرهایی متناسب و چهره‌هایی زیبا، موی به ضخامت موی یال اسب و کوتاه ... نه سفید نه سیاه...» این جملات توصیفی است که کریستف کلمب در یادداشت‌های روزانهٔ نخستین سفر خود، از مردم بومی آمریکا که در جزیرهٔ گواناهانی (که او سان سالوادور نامید) به دیدن او آمدند، ارائه داده است. او که فکر می‌کرد به هندوستان رسیده است، این بومیان را به طور ساده «هندی» نامید.

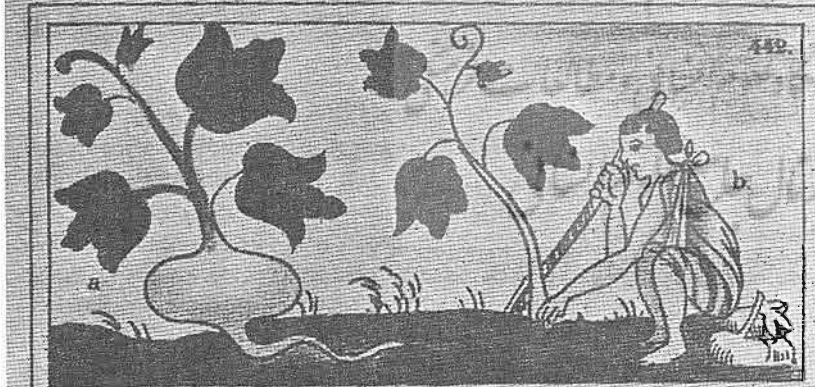
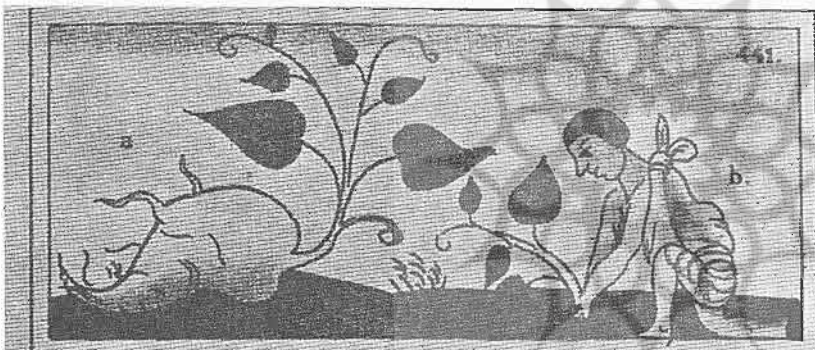
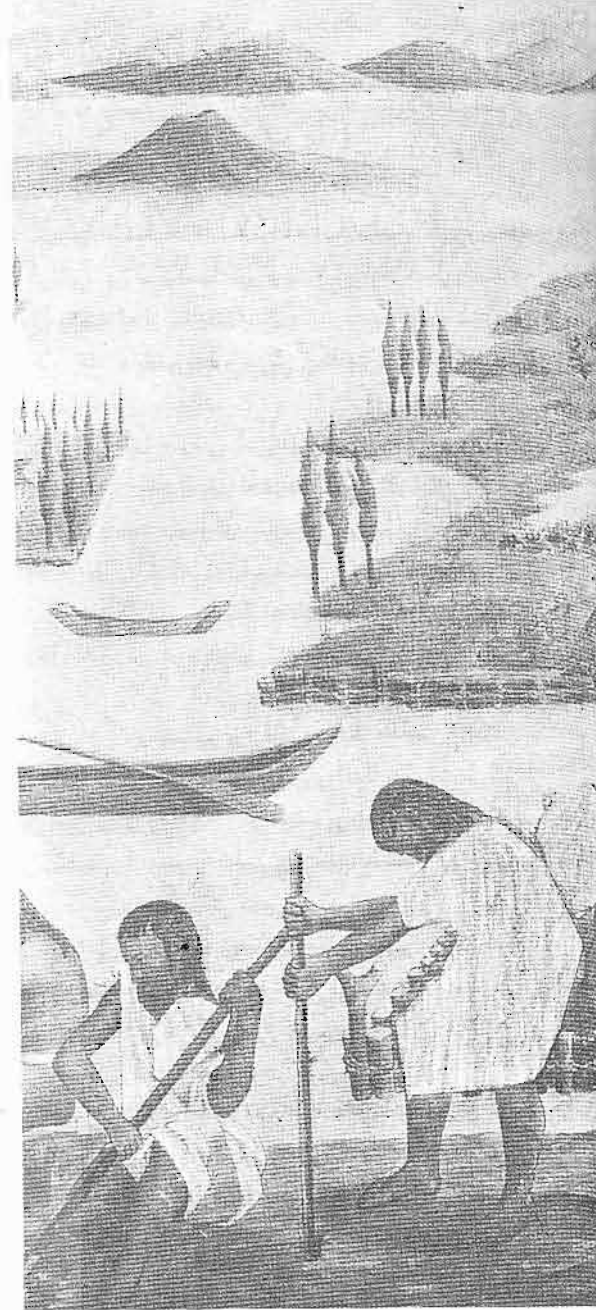
ساکنان این جزایر و جزایر بزرگتر همسایه، نظیر هائیتی، کوبا، جامائیکا و پورتوریکو، آراواک بودند، در حالی که در آنتیلهای کوچکتر کاریبها زندگی می‌کردند. این «هندیها» و همتهای آنها در منطقهٔ پاریا در ونزوئلا و دارین در پاناما به شکار، گردآوری خوراک و کشاورزی مشغول بودند و در دهکده‌های کوچکی که از کلبه‌های گلی و بامهایی از جنس شاخه درختان تشکیل شده بود، زندگی می‌کردند. اسپانیایی‌ها به سرعت متوجه شدند که آنها زندگی قبیله‌ای دارند و تحت اطاعت یک یا چند رئیس قبیله هستند.

نوشتهٔ میگل لئون - پورتیلا

بود. در این شهرها مدرسی به وجود آمدند که در آنها روی پوست درخت انجیر یا پوست آهو کتاب می نوشتند. علاوه بر شهرهای بزرگ، در این منطقه وسیع که بیش از ۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت داشت، چندین دولت پدید آمدند و شکوفا شدند که هر کدام یک امپراتوری را با مراکز سیاسی، اقتصادی و مذهبی متعلق به خود، تشکیل می دادند.

در ۱۴۹۲ مکزیکها یا آزتکها وارشان تاج و تخت توئنگها از پایتخت خود بر منطقه حکمرانی می کردند. این پایتخت توچتیتلان نام داشت که در جایی واقع شده بود که سپس مکزیکوسیتی در آن بنا گرفت. این شهر حتی در آن زمان نیز یکی از بزرگترین شهرهای جهان بود. حکمران آن آهوتیزولت، سلف مونتئ زوما، بر قلمرویی که از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس و از حوضه پانوکو تا گواتمالا گسترده بود، حکومت می کرد. شبکه‌ای از راههای تجاری فلات مرتفع مکزیک مرکزی را به قلمرو مایاها متصل می ساخت و تا دورترین نواحی شمالی امپراتوری یعنی جایی که امروزه جنوب غربی ایالات متحده را تشکیل می دهد، کشیده می شد. قدرت و فرهنگ امپراتوری آزتک در بیشتر قاره گسترده بود. در داخل این امپراتوری به زبانهای متنوعی تکلم می کردند، از جمله ناهواتل، اوتومی، هواستک،

راست، یک نقاشی دیواری در موزه مکزیکوسیتی جینامایاها یا باغهایی را نشان می دهد که به وسیله آزتکها روی توده‌های شنوری از خاک و گل به دست آمده از لارویی مردابها و دریاچه‌ها ساخته شده بودند. این نوع کشاورزی متعلق به دوران پیش از تسلط اسپانیاییها، هنوز در بخشهایی از مکزیک وجود دارد. پایین: پرورش سیبزمینی و نظایر آن را در یک کتاب خطی متعلق به قرن شانزدهم، به نام کدکس فلورتینو، نشان می دهد.



اروپاییان در مواجهه با مردم این قاره عجیب و غریب با شگفتیهای دیگری نیز روبرو می شدند. کریستف کلمب در سومین سفرش مطلع شد که تاجران مایایی با قایق طول ساحل هندوراس را می بینانند. منظره تکان دهنده تر در انتظار ملاحانی بود که کشتیشان را توفان درهم شکست و در ۱۵۱۱ به ساحل شبه جزیره یوکاتان پا نهادند. همین منظره را خوان دوگریخالوا نیز در ۱۵۱۸ در همین ساحل مشاهده کرد. آنها «سکونتگاهی دیدند حداقل به بزرگی سویل، با خانه‌هایی از سنگ، برج و یک میدان بزرگ...» این نخستین برخورد اسپانیایی‌ها با یکی از شهرهای مایایی آمریکای میانی بود، منطقه‌ای که همه آمریکای مرکزی و بخشی از مکزیک را در برمی گیرد.

سیماناهواک: سرزمینی میان دو اقیانوس

آمریکای میانی یا سیماناهواک گهواره تمدنی بود که طی هزاران سال شهرهای ثروتمند و بزرگی به وجود آورد که دارای قصرها، معابد و یادمانها، نقاشیها و کتیبه‌های فراوان

قاره بوده و خود را با هر نوع اقلیمی تطبیق داده بودند، از سرزمینهای یخزده کاناذا و آلاسکای امروزی گرفته تا بیابانهای گرم و سوزان کالیفرنیا و آریزونا و صحرای سوئران. اینوتها (اسکیموها)، آناپاسکانها، ایروکواها، آگونکوبینها، سیوکسها، ناویوها، و پاپاگواها همگی اخلاف این مردمان که از سالهای پایان قرن پانزدهم به سبزی با تجاوزات اسپانیاییها و سپس انگلیسیها، فرانسویها و هلندیها مجبور بوده اند.

در آمریکای جنوبی گروههای متعددی زندگی می کردند، از جمله قبایلی که در دهکدههای کوچکی واقع در جنگلهای وسیع اورینوکو، آمازون و حوضه پارانا سکونت داشتند. تمدن اینکاها که رقیب تمدن آزتکها به شمار می رفت نیز بر سستی هزاران ساله تکیه داشت که در دامنههای آند و در ساحل اقیانوس آرام شکل گرفته بود.

تاوانتینسیویو: قلمرو چهار اقلیم

از ۱۴۹۳ هوانا کاپاک بر امپراتوری اینکا حکومت می کرد. این امپراتوری را اینکاها تاوانتینسیویو یا قلمرو چهار اقلیم می نامیدند و از جنوب کلمبیای فعلی تا شمال آرژانتین و شیلی گسترده بود و بخش مهمی از اکوادور، پرو و بولیوی را در برداشت. این ناحیه وسیع جابهجا با شهرها و دهکدهها، معابد و قصرها و یادمانهای بشمار آراسته شده بود. مرکز قدرت اینکا شهر باشکوه سوزکو بود که در ارتفاع ۴۰۰۰ متری قلمرو آند بنا شده بود.

جادههایی که به طور متقاطع تمامی امپراتوری را از سرزمینهای چیچا در کلمبیای امروزی در شمال تا سرزمین آراوکانیاها در شیلی در منتهالیه جنوبی می پوشاندند، به وسیله اینکاها و برای نظام بازرگانی فعال و پررونق آنها مورد استفاده قرار می گرفت.

در منطقه آند حیوانات مختلفی که به خانواده شتر تعلق دارند، نظیر لاما، آلیاکا و ویکونا برای بارکشی و استفاده از پشمشان پرورش داده می شدند. از جمله بارهایی که این حیوانات حمل می کردند، سیبزمینی بود که هدیه بزرگ مردم آند به باقی جهان است. دیگر تولیدات این منطقه که سپس کاربرد گستردهای یافتند، از جمله عبارت بودند از: گنجه، دارویی برای علاج تب و گیاه کوکا که برگهای آن را می جوند و محرک و نشاط آور نیرومندی است و می توان برای تهیه کوکائین، یک مسکن قوی درد، از آن استفاده کرد. قاچاقچیان مواد مخدر برخلاف اینکاها این دارو را به منبع کسب سودهای نامشروع تبدیل کرده اند.

فرهنگ مردم آند صنعتگران فوق العادهای پرورش داد که آلیاژهایی نظیر تومباگا یعنی آلیاژ نقره، طلا و مس به وجود آوردند. هنر تزئینی و مذهبی آنها که طی قرنهای به دست آورده بودند، تحسین اروپاییها را برانگیخت و بر حرص آنها دامن زد. روشهای فلزکاری مردم آند تا آمریکای مرکزی و مکزیک گسترش یافت. برخی از اروپاییها، نظیر آلبرشت دورر نقاش - که «خورشید طلایی و ماه نقره ای» را که کورتس برای امپراتور چارلز پنجم فرستاده بود، به چشم



هنر کار با پر، تصویری از تاریخ عمومی اشیای اسپانیای جدید دائرةالمعارف فرهنگ آزتکها که به وسیله فرانسیسکان فرای برناردینو دو ساهاگون اسپانیایی در قرن ۱۶ تألیف شد.

تلاپانک، توتاناک، میکستک و زاپوتک، ساکنان آمریکای میانی کشاورزان فوق العادهای بودند. پیشینیان آنها حدود ۷۰۰۰ سال پیش ذرت را شناخته و کشت آن را با آب و هوای تقریباً تمامی منطقه تطبیق داده بودند. اما ذرت به هیچ وجه تنها هدیه این تمدن به دنیا نبود. از آمریکای میانی و کارائیب، کاکائو، بادام زمینی، ریشه مانیوک، گوجه فرنگی، فلفل قرمز، توتون، انواع کدو، لوبیا، پنبه، و نیز میوههایی نظیر هندوانه، انبه، آوکادو، مورد، سیب مامی (یا زردآلوی سنت دومینگو) چایوت و گلابی تیغدار و گیاهان دارویی بسیار به سراسر جهان راه یافتند. از جمله حیوانات اهلی این منطقه یک نوع سگ بدون مو بود. آنها همچنین بسوقلمونهایی پرورش می دادند که همراه با گیاهان معطر دیگر در بسیاری از نقاط جهان زینت بخش میزهای شام جشن سال نو است.

در شمال سرزمینهای آزتک گروههای دیگری از مردمان در نواحی کوهستانی، در دشتهای وسیع، در نزدیکی رودخانهها و دریاچهها و یا بر ساحل دو اقیانوس زندگی می کردند. این هندیها کم شمارتر از ساکنان بخش جنوبی

میگل لئون - پورتیلا
سفرکبر مکزیک و نماینده دانسی
این کشور در یونسکو و استاد
بازنشسته دانشگاه منلی و مستقل
مکزیک است. او کارهای متعددی
در باره فرهنگهای پیش - کلمبیایی
دارد که به چندین زبان ترجمه و
انتشار یافته اند.

دیده بود - این اشیاء را شگفت‌انگیزترین چیزهایی یافتند که تا به حال دیده بودند.



میراث پایدار سرخپوستان آمریکایی
 آرتکها، مایاها، زاپوتکها و دیگر ساکنان آمریکایی میانه، نظیر اینکاها و آیماها ای ساکن آند، وارثان تمدنهایی بسیار پیشرفته و باستانی بودند که نفوذ فرهنگی آنها بر بخش بزرگی از قاره گسترده بود. آنها همگی ویژگیهای مشترکی داشتند و عمیقاً مذهبی بودند. به خاک، که آن را نماد مادر بشریت می‌دانستند، عشق می‌ورزیدند و خورشید را به عنوان منبع حیات و نماد پدر مردم که بخشنده نور و گرماست، می‌پرستیدند. به مردم سالخورده به عنوان گنجینه‌های خرد و تجربه احترام می‌گذارند. اسطوره‌ها، داستانها، جشنها، آوازها و موسیقی آنها نشان دهنده آن است که ارواح و ماوراءطبیعه جزئی از زندگی روزمره آنها را تشکیل می‌داده‌اند. آنها می‌کوشیدند تا در هماهنگی کامل با طبیعت و تمامی اجزایش، اعم از گیاهان، حیوانات، کوهها و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها یا دریاها، زندگی کنند.

به درستی معلوم نیست که هنگامی که دو دنیا در ۱۴۹۲ به هم رسیدند، جمعیت این مردمان چقدر بوده است. رقم ۱۰۰ میلیون ذکر شده است، اما برخی این رقم را بسیار دور از واقع می‌دانند. آنچه قطعی است، این است که فرهنگهای مهاجم و سرایت بیماریهای ناشناخته میان بومیان، جمع کثیری از آنها را نابود کرد. اما آنها به هیچ وجه به کلی منهدم نشدند و اخلاف آنها هنوز هم با شدت تمام برای زنده نگه داشتن فرهنگ و زبان خود می‌جنگند. امروزه پس از ۵۰۰ سال، چهل میلیون نفر با تبار هندی آمریکایی زندگی می‌کنند و گواهی هستند بر قدرت خلاقیت، سرسختی و شجاعت اسلاف خود.

در این نقاشی دیواری مدرن نقاشان و رنگ‌آمیزی کنندگان آرتک در حال کار نشان داده شده‌اند، موزة مکزیکوسیتی.

کاما، مردم آمریکا...

یونسکو به مناسبت پانصدسالگی برخورد و دیدار دو دنیا، چندین گردهمایی با شرکت نمایندگان مردم بومی آمریکا ترتیب داده است. بومیان آمریکایی تبار در ژوئن ۱۹۹۱ در سان کریستوبال دلاسن کاساس گرد هم آمدند، و در آنجا بار تلولومه دلاسن کاساس، «زهر مسعوی سرخپوستان» اعلامیه زیر را تدوین کرد:

«با آگاهی کامل از این واقعیت که ما سرنوشت مشترکی داریم، تصریح می‌کنیم که آینده مردمان ما به توانایی ما در ایجاد یک آمریکای مبتنی بر همبستگی وابسته است و اینکه آمریکای رؤیاهای ما همان آمریکای بومی است و در آینده نیز خواهد بود، زیرا مردمان اصیل این قاره اساس هویت آن را تشکیل می‌دهند.

«ما وارث تمدنهایی هستیم که در فلاتهای مرتفع و مناطق حاره‌ای قاره ما شکوفا شدند و خود به نوبت خویش در غنای فرهنگ قاره کوشیدند.

«ما بر پایداری و نیروی حیاتی هویت بومی که در طراحی پروژه‌های ملی بیش از پیش به حساب آورده می‌شود، تأکید می‌گذاریم... ما رهبران کشورهای خود را دعوت می‌کنیم که به ندهایی که شأن انسانی، عدالت و همبستگی برای تمامی مردم قاره را طلب می‌کنند، توجه نمایند.»

رؤسای جمهور و سران دولتهای تمامی کشورهای ایبرو آمریکایی در اجلاس سرانی که در ۱۹ ژوئیه همان سال در گوادالاخارای مکزیک برگزار شد، شرکت کردند و اعلامیه زیر را امضاء نمودند:

«ما خدمت عظیمی را که مردم بومی به تکامل جوامع ما و کثرت‌گرایی آنها کردند تصدیق می‌کنیم و مجدداً بر تعهد خود نسبت به بهزیستی اقتصادی و اجتماعی آنها و بر الزام خود در حرمت نهادن به حقوق و هویت فرهنگی آنها، تأکید می‌کنیم.»

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات



تصویری از کدکس تودلا (۱۵۵۳) که یک زن آرتک را در حال آماده کردن شکلات نشان می‌دهد.